

ماهیت الزام آور یا غیرالزام آور اقدامات تأمینی صادره توسط دیوان بین المللی دادگستری

سید حسین صفایی* پیمان دادرس**

چکیده

اقدامات تأمینی در حقوق داخلی نهادی مشخص است و کارکردی معین را دنبال می‌کند. اما این موضوع در حقوق بین الملل عمومی با صراحت و صلابت حقوق داخلی بیان نشده است و وصف الزام آور بودن آن مورد تشکیک است. علت این فاصله بین حقوق داخلی و حقوق بین الملل عمومی نحوه نگارش ماده ۴۱ اساسنامه دیوان دادگستری بین المللی و ماده ۹۴ منشور سازمان ملل است که از صراحت لازم جهت الزامی بودن این نهاد در متون آن استفاده نشده است. به منظور شناخت بهتر این نهاد کلاسیک مقایسه‌ای مختصر نیز با دیگر رشته‌های حقوق بین الملل و به طور خاص حقوق سرمایه گذاری بین المللی و نحوه عملکرد آنها با اقدامات تأمینی انجام شده است

واژه های کلیدی: تفسیر، الزامی، فوریت، موقتی.

* استاد دانشگاه تهران hsfaii@ut.ac.ir

** دانشجوی دکترای حقوق بین الملل سرمایه گذاری، دانشگاه پاریس ۱، سوربن (نویسنده مسؤول)

Peyman.Dadrass@malix.univ-paris1.fr

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۴

۱. مقدمه

زمان عاملی تعیین کننده در دادرسی های قضایی محسوب می شود (کولون، ۱۹۹۶-۱۹۹۷: ۵)، با این حال باید از قضاوتی عجولانه و از روی احساس پرهیز کرد؛ از یک سو، باید دانست که دادرسی سریع - علی رغم در برداشتن مزایایی چند - نمی تواند دادرسی عادلانه را تضمین نماید. از دیگر سو، لازم است از اطلاع دادرسی به بهانه تأمین دادرسی عادلانه نیز برکنار ماند. باید در نظر داشت که از قدیم الایام اطلاع دادرسی یکی از نقاط ضعف دادرسی های حقوقی به شمار می رفته است. همانگونه که دولابرویر^۱ به خوبی بیان داشته اند: «وظیفه قاضی برقراری عدالت از طریق حل و فصل اختلاف است» از این رو لازم است دادرسی رأی خود را در «مهلت متعارف و معقول»^۲ صادر نماید.

با این حال حتی اگر دادرسی در مهلت متعارف رأی خود را ارائه نماید، با مواردی مواجه خواهیم بود که اتخاذ تصمیمی فوری برای جلوگیری از تضییع حقوق یکی از طرفین و مآلاً بلاموضوع شدن دعوی ضرورت دارد. این موارد - که نیازمند اتخاذ تصمیم با سرعتی بیش از حد معمول هستند - تحت عنوان موارد «فوریت»^۳ معرفی و مورد مطالعه قرار گرفته اند. فوریت از نظر لغوی بیانگر حالتی است که نیاز به اتخاذ تصمیم یا انجام عملی بی درنگ و سریع احساس می شود؛ به دیگر سخن، واژه فوریت، به مثابه «ویژگی امر فوری» یعنی «لزوم عمل سریع و بی درنگ» قابل تعریف است (آلین، ۱۹۹۸: ۱۳۲۵). اما از نظر حقوقی نمی توان تعریفی از آن ارائه نمود. مفهوم فوریت از مفاهیم سهل و ممتنع است، بدین معنی که در اکثر ابواب حقوق می توان رد پای از آن یافت ولی در عین حال نمی توان تعریفی عینی و ملموس از آن به دست داد.^۴ اقدامات تأمینی^۵ موضوع بررسی مقاله حاضر برای تأمین جنبه فوریت در موارد مزبور در قوانین پیش بینی شده اند.

اقدامات تأمینی از قدیم الایام به مثابه نهادی کلاسیک در حقوق داخلی کشورهای مختلف وجود داشته اند. برای نمونه می توان به حقوق فرانسه اشاره نمود که به قضات آن کشور اختیارات گسترده ای جهت اتخاذ اقدامات تأمینی اعطاء نموده است. در واقع،

قضات آن کشور علاوه بر مکانیسم‌های خاصی که در موارد مخصوصی مورد اشاره قانونگذار فرانسوی قرار گرفته‌اند، برای صدور دستور موقت^۸ در امور حقوقی - در صورتی که موضوع دعوی اقتضاء نماید - از اختیارات گسترده‌ای برخوردارند.^۷

اما نهاد پیش‌گفته در حقوق بین‌الملل تنها از اوایل قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت. برای اولین بار کنوانسیون ۱۹۰۷ در خصوص تأسیس دیوان دادگستری آمریکای مرکزی این موضوع را مدنظر قرارداد و در ماده ۱۸ خود این حق را برای دادرسان پیش‌بینی می‌نماید که نسبت به «تعیین وضعیتی که طرفین دعوی می‌بایست تا اتخاذ تصمیم نهایی دادگاه آن را حفظ نمایند» تصمیم‌گیری کند.^۸

متعاقباً این نهاد در بین دو جنگ جهانی از مجرای معاهدات داوری منعقد که به داوران اختیار اتخاذ هرگونه اقدامات تأمینی که مقتضی بدانند را می‌دادند، رواج نسبی یافت. النهایه نهاد مورد بحث در اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی پذیرفته شده و امروزه در ماده ۴۱ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی (جانشین دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی) با این عبارات منعکس گردیده است: «دیوان می‌تواند حسب الاقتضاء اقدامات تأمینی لازمه به منظور حفظ حقوق هر یک از طرفین دعوی را صادر نماید».^۹ وجود چنین نصوصی موجب طرح این پرسش می‌شود که آیا دادرسی - های بین‌المللی به تدریج با دادرسی‌های داخلی یکسان می‌شوند. به هر روی مسأله‌ای که ما قصد بررسی آن را داریم عبارت از اینست که آیا این تصمیم دیوان برای دولت‌های عضو لازم‌الاتباع است یا باتوجه به حاکمیت دولت‌ها بر سرزمین خود نمی‌تواند آن‌ها را ملزم به اجرای این دستورات دانست.

پاسخ این سوال را در بخش دوم این مقاله با عنوان «شناسایی ضمنی ویژگی الزامی صدور اقدام تأمینی» خواهیم داد ولی پیش از آن لازم است با کنکاو پیرامون «مبانی حقوقی نهاد اقدامات تأمینی»، به مسائلی بپردازیم که ما را در دستیابی به پاسخ پرسش پیش‌گفته یاری خواهند رساند. از اینرو مباحث را در دو بخش پی می‌گیریم.

۲. مبانی حقوقی اقدامات تأمینی

۲.۱. کارکرد اقدامات تأمینی

هدف از پیش‌بینی اقدامات تأمینی، تضمین حقوق اصحاب دعوی به‌صورت موقت بوده است. پس نه تنها لازم است که حقوق یکی از اصحاب دعوی نیاز به «تضمین» داشته باشد، بلکه باید این تضمین به‌صورت «موقت» باشد. ذیلاً این دو ویژگی اساسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند:

۲.۱.۱. تضمین حقوق اصحاب دعوی

حقوق اصحاب دعوی صرفاً به حقوق ماهوی ایشان محدود نمی‌شود و حقوق شکلی ایشان را نیز دربرمی‌گیرد. از این‌رو لازم است در ادامه پس از بررسی حقوق ماهوی طرفین دعوی به حقوق شکلی ایشان بپردازیم:

الف) تضمین حقوق ماهوی اصحاب دعوی: باید توجه داشت که صرفاً اقداماتی می‌توانند تحت عنوان اقدامات تأمینی مورد دستور مقام قضایی قرار گیرند که برای تضمین حقوق اصحاب دعوی (یا یکی از ایشان) «لزوم»^{۱۱} داشته باشند. در ارزیابی وجود یا فقدان لزوم، غالباً عنصر زمان نقش تعیین‌کننده‌ای بازی می‌کند؛ عاملی که خود نشان‌دهنده علت پذیرش اقدامات تأمینی در نصوص قانونی است؛ چه همانگونه که سابقاً نیز ملاحظه گردید، اقدامات تأمینی به گونه‌ای از آئین دادرسی سریع اطلاق می‌شود که برای اجتناب از معایب اطلاع دادرسی ناشی از رسیدگی‌های قضایی معمول و در مواردی که نیاز به تضمین فوری احساس می‌شود، پا به عرصه حقوق گذارده‌اند. لذا خطر و تهدید موجود که مبنای درخواست اقدام تأمینی قرار گرفته است باید واقعی و بلاواسطه بوده و مستلزم اقدامی فوری باشد، هرچند شرط اخیر در بسیاری از نصوص ناظر به اقدامات تأمینی مغفول مانده است.^{۱۱}

با این حال نباید از یاد برد که ضرورت حفظ حقوق اصحاب دعوی نمی‌تواند صلاحیت رسیدگی به اموری را که خارج از صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده بین‌المللی قرار دارند به آن مرجع اعطاء نماید. همچنین مرجع مزبور نمی‌تواند اقدام به اتخاذ اقدام تأمینی علیه شخص ثالث نماید. به‌علاوه این مرجع نمی‌تواند به بهانه اقدامات تأمینی

اقدام به ابطال تصمیمات و آراء قضایی داخلی نماید. در عمل، در مواردی که تخلف ادعایی دنباله‌داری وجود داشته باشد، یا در موردی که انجام اصل تعهد توسط متعهد (و نه پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد) برای متعهدانه اهمیت دارد، اقدامات احتیاطی بدون دشواری چندانی مورد حکم نهادهای بین‌المللی قرار می‌گیرند.

در مقابل، می‌توان به مواردی اشاره نمود که دادگاه به درخواست یکی از طرفین دعوی بدوی در رابطه با اتخاذ اقدام تأمینی توجهی نکرده و از صدور آن امتناع خواهد کرد. ذیلاً به سه مورد اشاره می‌نماییم:

۱. در مواردی که خواسته طرف دعوی صرفاً پرداخت تمام یا قسمتی از خسارت ادعایی باشد.^{۱۲}

۲. خواسته خواهان اقدام تأمینی، خسارات دادرسی باشد.^{۱۳}

۳. یا به صورت کلی‌تری که دو مورد سابق را نیز دربر بگیرد می‌توان گفت در هر موردی که خواسته خواهان ناظر به جلوگیری از اقداماتی است که تأثیری در رأی دادگاه و اجرای آن نخواهند داشت.^{۱۴}

التهایه باید توجه داشت که دادگاه نمی‌تواند در مواردی که به‌وضوح فاقد صلاحیت است در خصوص اقدامات تأمینی تصمیم‌گیری نماید.

ب) تضمین حقوق شکلی اصحاب دعوی: همانگونه که تضمین حقوق ماهوی اصحاب دعوی می‌تواند در پیش گرفتن اقدامات تأمینی را توجیه نماید، حفظ حقوق شکلی ایشان نیز به همین صورت می‌تواند موجب اتخاذ اقدامات تأمینی گردد که دادگاه - به درخواست طرفین یا به تشخیص خود - نسبت به اتخاذ اقدامات لازم از جمله دستورات لازمه برای حفظ حقیقت از مجرای ادله و شهود حاضر در واقعه مربوط اقدام نماید.^{۱۵} برخلاف آنچه در ظاهر به‌نظر می‌رسد، تضمین حقوق شکلی طرفین دعوی امری خارج از ماهیت اقدامات تأمینی نبوده بلکه چهره‌ای از کارکرد اقدامات تأمینی است.

برخلاف آنچه سابقاً در خصوص دعاوی حقوقی گفته شد، نقش اقدامات تأمینی در چهارچوب آئین دادرسی کیفری صرفاً به رعایت اصول دادرسی محدود می‌شود. از

این روست که ماده‌ی ۱۵۶ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی، صلاحیت «اتخاذ هر یک از اقدامات لازمه جهت تضمین کارآمدی و یکپارچگی دادرسی و به‌ویژه حقوق دفاعی» را به دادگاه بدوی اعطاء کرده است. همچنین دادگاه مزبور در صورت لزوم می‌تواند «نسبت به تضمین حمایت و حریم زندگی خصوصی قربانیان جرائم و شهود واقعه، حفظ ادله، حمایت از دستگیرشدگان و نیز حفاظت از اطلاعات مربوط به امنیت ملی اقدامات لازم را به عمل آورد».

۲.۱.۲. موقتی بودن اقدام تأمینی

از آنجا که فلسفه پیش‌بینی اقدامات تأمینی در «لزوم» اقدام فوری است، با از بین رفتن این لزوم، اقدام تأمینی نیز از بین خواهد رفت؛ اعم از این که این فقدان لزوم به جهت از بین رفتن شرایط مستلزم ضرورت در جریان دادرسی و به تشخیص مقام رسیدگی کننده باشد یا به جهت این که دادرسی پایان پذیرفته و با پایان یافتن دادرسی بقاء اقدام تأمینی بی مورد خواهد بود.

دادگاه مزبور (و همچنین دیوان داوری) هر زمان می‌تواند تغییراتی در دستور مربوط به اقدام تأمینی به عمل آورده یا از آن رفع اثر نماید. این رفع اثر می‌تواند به درخواست طرف مقابل دعوی یا رأساً به تشخیص خود دادگاه / دیوان داوری باشد.^{۱۶} مطابق ماده ۷۶ قواعد رسیدگی دیوان دادگستری بین‌المللی نیز دادگاه در هر لحظه‌ای می‌تواند نسبت به تغییر یا رفع اثر از اقدامات تأمینی اقدام نماید. با این حال به نظر می‌رسد مطابق ماده ۲۶ قواعد داوری آنسیترال چنین امکانی برای داور وجود نداشته باشد.

۲.۲. مرجع و آئین صدور اقدامات تأمینی

لازم است پس از بررسی مرجع صالح برای اتخاذ اقدامات تأمینی، آئین دادرسی مربوط به این امر نیز بررسی گردد. لذا ذیلاً تحت دو عنوان مباحث را پی می‌گیریم:

۲.۲.۱. مرجع صالح

اقدامات تأمینی می‌باید از سوی مرجعی صادر گردند که به دعوی اصلی رسیدگی می‌کند. با این حال از آنجا که اقدامات مزبور برای تضمین حفاظت ضروری از حقوق

طرفین وضع گردیده‌اند، این اقدامات نیازمند تصمیم‌گیری سریع (و چه بسا پیش از مراجعه به دادگاه یا تشکیل دیوان داوری) هستند. این میزان از سرعت عمل غالباً با مواردی که مرجع رسیدگی کننده مرجعی هیأتی^{۱۷} بوده یا مرجع داوری باشد (به‌ویژه در مواردی که دیوان داوری هنوز تشکیل نشده است)، در تعارض قرار می‌گیرد. در رابطه با مراجع هیأتی، برخی نصوص حقوقی اجازه اتخاذ اقدام تأمینی به این مراجع در موارد فوری را داده‌اند.^{۱۸}

اما مسائل مربوط به آئین داوری وضعیت متفاوتی دارند.^{۱۹} برخی نصوص قانونی اجازه صدور دستور در رابطه با اقدام تأمینی پیش از تشکیل دیوان داوری را به مراجع دائمی می‌سپارند و پس از تشکیل دیوان داوری، تصمیمات مربوط به اقدام تأمینی با دیوان داوری خواهد بود.^{۲۰} در داوری‌های فراملی، همین نقش را می‌توان استثنائاً برای مراجع قضایی ملی ثابت دانست.^{۲۱} وجود شرط داوری ایکسید^{۲۲} مانعی بر صلاحیت قاضی فرانسوی در صدور اقدام تأمینی ایجاد نخواهد کرد و متقابلاً صدور چنین قرار تأمینی مشکلی برای رسیدگی‌های مرجع فراملی به‌شمار نخواهد آمد.

صلاحیت اتخاذ اقدام تأمینی از رسیدگی به ماهیت دعوی مستقل است. صلاحیت نهادهای بین‌المللی برای صدور اقدام تأمینی از زمان تقدیم دادخواست شروع شده و مقید به هیچ شرط شخصی، مادی، زمانی یا مکانی دیگری نیست. با این حال ضرورت اتخاذ اقدام تأمینی مستلزم نوعی بررسی صلاحیت از سوی نهاد بین‌المللی می‌باشد؛ اگر نهاد مزبور به‌وضوح غیرصالح باشد، نمی‌تواند نسبت به تضمین حقوقی که در ماهیت امر حق تصمیم‌گیری درمورد آن‌ها را ندارد اقدام نماید. لذا در مواردی که مرجع قضایی بین‌المللی پس از بررسی اجمالی قضیه منبایی برای صلاحیت خود نیابد، نمی‌تواند نسبت به تجویز اقدامات تأمینی اقدام نماید.^{۲۳}

با این حال نباید درخصوص مفهوم و ماهیت این بررسی صلاحیت به اشتباه افتاد. بررسی نخستین صلاحیت صرفاً راهی برای برآورد عامل «ضرورت» در صدور اقدام احتیاطی است. هرچند در آرای صادره بدین امر تصریح نگردیده ولی پیداست که در مواردی که مرجع رسیدگی کننده صالح به رسیدگی به اصل دعوی نباشد، اقدام تأمینی مربوط به آن دعوی نیز خارج از صلاحیت وی خواهد بود.^{۲۴}

۲.۲.۲. آئین صدور اقدام تأمینی

هر یک از طرفین دعوی می‌توانند صدور اقدام تأمینی را از دادگاه داوری درخواست نمایند.^{۲۵} حتی در صورتی که طرفین درخواست صدور آن را نکرده باشند، دادگاه می‌بایست در این خصوص تصمیم‌گیری نماید.^{۲۶} با این حال در فرآیند دادرسی کیفری به علت ماهیت متفاوت آن وضعیت به گونه دیگری بوده و استثنایی بر قاعده‌ی فوق‌الذکر محسوب می‌شود؛ در واقع در دادرسی کیفری تنها دادستان است که می‌تواند صدور اقدام تأمینی را تقاضا نماید (ماده ۵۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری). صرف‌نظر از این استثناء، در سایر موارد طرفین دعوی می‌توانند در هر مرحله‌ای از دادرسی تقاضای اتخاذ اقدام تأمینی نمایند و مآلاً در هر مرحله‌ای از دادرسی ممکن است چنین تصمیمی توسط دادگاه اتخاذ گردد؛ چه ممکن است ضرورت مستلزم صدور اقدام تأمینی در حین رسیدگی‌ها رخ دهد.^{۲۷}

آن دسته از اظهاراتی که مستلزم صدور اقدام تأمینی هستند، در صورت اعلام نزد مراجع قضایی بین‌المللی، بر سایر اظهارات مقدم خواهند بود؛ بدین معنی که مراجع مزبور می‌بایست در صورت درخواست صدور اقدام تأمینی، پیش از همه طواری دادرسی در خصوص این درخواست تصمیم مقتضی اتخاذ نماید و لو اینکه درخواست مربوط به طواری مزبور پیش از درخواست مربوط به اقدام تأمینی در دفتر دادگاه به ثبت رسیده باشند.^{۲۸} علی‌رغم سهولت و سرعت پیش‌گفته باید خاطر نشان کرد که این امر نمی‌تواند و نباید جنبه تناظری رسیدگی‌ها را زیر سوال ببرد؛ چه علی‌الاصول هیچ اقدامی را بدون در نظر گرفتن نقطه نظرات طرفین دعوی نه می‌توان صادر نمود، نه می‌توان از آن رفع اثر نمود و نه می‌توان در آن تغییراتی داد.^{۲۹}

درخواست اتخاذ اقدامات تأمینی یکی از طواری دادرسی اصلی و از توابع آن محسوب می‌شود. از این رو برخلاف آنچه در حقوق ملی پذیرفته شده است، در دادرسی‌های بین‌المللی صرفاً در صورتی می‌توان تقاضای صدور اقدام تأمینی نمود که دعوی اصلی در جریان باشد. با این حال تقاضای صدور اقدام تأمینی استقلال خود را نسبت به سایر ایرادات حفظ می‌نماید. لذا حتی در مواردی که ایرادات ابتدایی در

خصوص دعوی اصلی طرح شده و هنوز به آنها رسیدگی نشده باشد دادگاه می تواند در رابطه با اقدام تأمینی اتخاذ تصمیم کند، همانگونه که در پرونده شرکت نفت ایران و انگلیس شاهد آن بودیم.

۳. شناسایی ضمنی ویژگی الزامی صدور اقدام تأمینی

۳.۱. اختیار دادگاه در توصیه اقدامات تأمینی

اختیار دادگاهها در خصوص اتخاذ اقدامات تأمینی در زمره قواعد عام رسیدگی در دادرسی های بین المللی به شمار می رود؛ بدین معنی که هر مرجع بین المللی، تا زمانی که به موجب نص صریحی از آن منع نشده باشد، می تواند به استناد اصول کلی حقوقی (حتی در فرض فقدان نص صریح مبنی بر تجویز صدور اقدام تأمینی)، نسبت به صدور آن اقدام نماید.^{۳۰} اختیار دادگاههای داوری بین المللی در رابطه با اتخاذ اقدامات تأمینی مانعی بر اختیارات دادگاههای داخلی در صدور اقدامات مشابه به شمار نمی رود، همانگونه که اصل صلاحیت مراجع بین المللی موجب از بین رفتن صلاحیت مراجع قضایی داخلی نیست.^{۳۱}

توانایی اتخاذ اقدام تأمینی در دیوان بین المللی دادگستری در ماده ۴۱ اساسنامه آن پیش بینی شده است که مقرر می دارد: «۱. دیوان می تواند عند الاقتضاء آن دسته از اقدامات تأمینی که برای حفاظت از حقوق هر یک از طرفین دعوی به صورت موقت لازم می داند را به ایشان توصیه نماید. ۲. این اقدامات - که تا زمان صدور رأی نهایی معتبر می باشند - به محض صدور به اطلاع طرفین و شورای امنیت خواهد رسید». این ماده ابتدائاً در معاهده برابان منعقد به سال ۱۹۱۴ بین ایالات متحده و نیکاراگوئه پیش بینی شده بود و به همین شکل در ماده ۴۱ اساسنامه دیوان نیز گنجانده شد. شیوه نگارش ماده مزبور خالی از ابهام نیست. همانگونه که برخی از صاحب نظران اشاره نموده اند، تعارض لاینحلی بین واژگان به کار گرفته شده توسط نویسندگان این نص قانونی وجود دارد. در واقع، از یک سو، از «اجبار الزام» برای بیان تکلیف طرفین دعوی سود جسته شده است و بی تردید این واژه معنایی امری دربردارد. از دیگر سو، واژه

«توصیه» که برای اشاره به اختیار دیوان به کار گرفته شده، حالتی تجویزی (یا غیر اجباری) دارد. از این رو این پرسش مطرح می‌شود که آیا باید جنبه الزام‌آور بودن را بر جنبه تجویزی ترجیح داد یا بالعکس. بسیاری از نویسندگان معتقدند که قرائن موجود بر «اراده حداقلی» دلالت می‌کند؛ بدین معنی که تمایل به الزام‌آور نبودن این اقدامات برای طرفین دارند. لازم به ذکر است که متن انگلیسی ماده ۴۱ اساسنامه دیوان به مراتب از متن فرانسوی ماده مبهم‌تر است.

ابهام واژگان به کار گرفته شده در ماده ۴۱ اساسنامه دیوان، در ماده ۹۴ منشور سازمان ملل متحد^{۳۲} نیز که اعضاء را ملزم به تبعیت از تصمیمات دیوان می‌داند نیز وجود دارد. ماده اخیرالذکر اینگونه انشاء شده است: «۱. هر یک از دول عضو در دعوائی که یکی از طرفین آن به‌شمار می‌روند، ملزم به تبعیت از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری هستند. ۲. چنانچه هر یک از طرفین دعوی از انجام تعهداتی که در پی رأی صادره بر وی تحمیل شده سر باز زند، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت سازمان ملل متحد مراجعه نماید و شورای امنیت عندالاقضاء می‌تواند توصیه‌نامه صادر نموده یا اقدامات لازمه جهت اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری را به عمل آورد.» آنچه در رابطه با ماده ۹۴ لازم است مورد بررسی قرار گیرد، بند ۲ این ماده نیست، بلکه به بند ۱ مربوط می‌شود. باید ببینیم که آیا توصیه مذکور در ماده ۴۱، ذیل بند ۱ ماده ۹۴ منشور می‌گنجد تا جنبه الزام‌آور داشته باشد یا خیر. از این نظر بند ۴ ماده ۱۳ میثاق جامعه ملل (مصوب ۱۹۱۹) از وضوح بیشتری برخوردار بوده و اشعار می‌دارد: «اعضای جامعه ملل متعهد به اجرای با حسن نیت احکام صادره بوده و نمی‌بایست علیه هیچ یک از دول عضو جامعه که از این آراء تبعیت نمایند، اقدام به جنگ نمایند. در صورت عدم اجرای احکام صادره از سوی ایشان، شورا اقدامات لازمه را جهت اجرای حکم مزبور اتخاذ خواهد کرد.»

مطابق نظر آلن پیه پیش، دو اصطلاح «تصمیم دیوان» در هر دعوی و احکام دیوان، «تنها آن دسته از اقدامات به عمل آمده توسط دیوان را شامل می‌شود که در امور ترافعی صادر شده و حقوق و تکالیف قابل اجرای طرفین را تعیین نمایند یعنی حکم (احکام) ناظر به ماهیت امر و احتمالاً ناظر به میزان خسارات که قاطع دعوی باشند». با

استناد به همین تعریف و رویکرد بود که قاضی ورامانتری^{۳۳} دستور موقت دیوان را همچون تصمیمات آن مرجع دانسته و توانست ذیل آنها بگنجانند. وانگهی، در راستای تأیید رویکرد آلن پیه پیش می توان از شیوه تنظیم بند ۲ ماده ۷۴ و بندهای ۱ و ۳ ماده ۷۶ آئین نامه دیوان^{۳۴} سود جست؛ چه به نظر می رسد این نصوص تمایل به جای دادن آراء متخذه به موجب ماده ۴۱ اساسنامه در دسته ی تصمیمات دیوان دارند.

بررسی دعاوی قدیم و جدید نشان می دهد که هر چند درخواست صدور اقدام تأمینی در ابتدا نمایانگر جنبه الزامی بودن صدور اقدام تأمینی از سوی دیوان در نظر طرف درخواست کننده است، ولی در بعضی اوقات درخواست کننده تمایل به منحرف کردن نهاد اقدام تأمینی از هدف خود و تبدیل آن به *ابزاری/استراتژیک* در دعاوی (و به عبارت دیگر، *ابزاری دیپلماتیک*) دارد. برای نمونه می توان به درخواست صدور اقدام تأمینی توسط آلمان از دیوان دائمی دادگستری در پرونده کارخانه شورزوف اشاره نمود. می دانیم که دیوان در این پرونده از اتخاذ اقدام تأمینی خودداری نمود. از جمله دلایل دیوان عبارت بود از اینکه درخواست آلمان ناظر به اجرای موقتی خواسته است که به معنای اجرا و واگذاری بخشی از خواسته دعوی آن کشور تا معلوم شدن نتیجه نهایی پرونده است و این خواسته با اقدام تأمینی متفاوت است؛ چه - همانگونه که می دانیم - اقدام تأمینی منتهی به اجرای خواسته موضوع درخواست اصلی در ماهیت امر نمی شود و تنها خواسته را تا صدور رأی قطعی از تضييع و تفریط مصون می دارد.

مسأله مهمی که می بایست در خصوص آن به بحث پردازیم، به شیوه تفسیر متون قانونی مورد بحث مربوط می شود. می دانیم که به عنوان یکی از روش های تفسیر معاهدات بین المللی که در بند ۴ ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ به رسمیت شناخته شده است می توان به «*اراده گرای*»^{۳۵} در تفسیر متون بین المللی اشاره نمود. در پیش گرفتن این روش تفسیری در خصوص ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و ماده ۹۴ منشور سازمان ملل متحد باعث بروز تردیدهایی در رابطه با الزام آور بودن توصیه دیوان برای طرفین دعوی بین المللی خواهد شد، همانگونه که مراجعه به کارهای *مقدماتی* به عمل آمده در نگارش و تصویب مواد فوق الذکر نیز تردیدهایی در خصوص

اراده‌ی نویسندگان آن نصوص را موجب می‌شود. در رابطه با ماده ۴۱ اساسنامه دیوان برخی صاحب‌نظران همچون *پل گوگنهایم* معتقدند که به‌کارگیری واژه «توصیه‌کردن» به‌جای «رای دادن» اقدامی معنادار است. مطابق نظر *گوگنهایم*، اساسنامه دیوان با به‌کارگیری این واژه - به‌سان معاهده برایان - از شناسایی ویژگی الزام‌آور بودن اقدام تأمینی خودداری نموده است. با این حال نظر *گوگنهایم* توسط همه نویسندگان پذیرفته نشده و مخالفانی دارد.

در حالی که واژگان به‌کار رفته در متن ماده ۴۱ اساسنامه به‌وضوح متعارض هستند و متن ماده ۹۴ منشور نیز عاری از ابهام نیست، به‌نظر می‌رسد بهره‌گیری از «*رویکرد کارکردی*»^{۳۶} در رابطه با نهاد اقدامات تأمینی نتایج بهتری به‌همراه داشته و به‌جای بحث‌های پایان‌ناپذیر در خصوص اراده تدوین‌کنندگان نصوص مزبور، توجه خود را بر مبنا و فلسفه پیش‌بینی این نهاد متمرکز می‌کند. به‌نظر می‌رسد این نتیجه‌گیری منطقی است که بگوییم صلاحیت مرجع قضایی مبنی بر رسیدگی و صدور حکم در رابطه با دعوی، مستلزم صلاحیت اتخاذ تصمیمات الزام‌آور در رابطه با طواری مربوط بدان دعوی نیز می‌باشد به‌گونه‌ای که بتواند موضوع دعوی را در حالت اولیه آن حفظ کند. در واقع، اگر یکی از طرفین دعوی ملزم به تبعیت از دستور مقام قضایی رسیدگی‌کننده در رابطه با اقدام تأمینی مربوطه نباشد، صلاحیت رسیدگی به دعوی نیز بی‌معنی خواهد بود. نماینده بریتانیا نیز در دعوی شرکت نفت ایران و انگلیس استدلال مشابهی را در مقابل دیوان به عمل آورد. در این رویکرد کارکردانگاران تلاش در جهت یافتن مبانی آمره نهاد مزبور در نظم حقوقی بین‌المللی است تا جنبه الزام‌آور بودن آن را تأیید نماید.

۳.۲. آثار تخلف از توصیه دیوان

به نظر می‌رسد می‌توان ارزش حقوقی توصیه‌های دیوان را با توجه به آثاری که در اثر تخلف از آن‌ها ناشی می‌شود، به دو دسته کلی به شرح ذیل تقسیم نمود:

الف) دسته نخست، گروهی از آرای دیوان را شامل می‌شود که تعهد حقوقی الزام-

آوری را بر طرفین بار می‌کند و لذا عدم تبعیت از این قبیل توصیه‌های دیوان مسئولیت دولت نافرمان را در پی خواهد داشت

ب) دسته‌ی دوم دربردارنده توصیه‌هایی می‌شود که فاقد جنبه الزام‌آور بوده و تنها توصیه‌ای صرف به‌شمار می‌روند و از این رو تخلف از آن‌ها حداکثر عملی غیردوستانه و نوعی عدم همکاری تلقی خواهد شد.

در عین حال می‌توان دسته سومی از تخلفات را نیز شناسایی کرد که شامل مواردی می‌شود که عدم انجام اقدام تأمینی مورد توصیه، با نقض یکی از تعهدات ناشی از قواعد عام حقوق بین‌الملل دولت خاطی همراه است. در این حالت دیوان با مجازات دولت خاطی به‌خاطر تخلف از تعهد بین‌المللی نقض شده، به‌صورت غیرمستقیم تخلف از اجرای اقدام تأمینی را نیز مورد مجازات قرار می‌دهد. چنین فرضی در رابطه با تعهد به عدم نسل‌کشی در پرونده‌ی بوسنی و هرزگوین علیه یوگسلاوی رخ داد که در آن دیوان در جهت اجرای کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم نسل‌کشی، مبادرت به صدور دومین دستور خود در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ نمود و مفاد آن حکایت از این داشت که اقدامات دولت خاطی در اجرای موارد توصیه شده در دستور مورخ ۸ آوریل ۱۹۹۳ کافی نبوده و دولت می‌بایست اقدامات جدی‌تری اتخاذ نماید.

اصل بر اینست که توصیه‌های دیوان الزام‌آور هستند مگر این‌که الزام‌آور نبودن آن‌ها تصریح شود. ضمانت اجرای این‌گونه توصیه‌های الزام‌آور را باید در بند ۲ ماده ۴۱ اساسنامه و ماده ۷۷ قواعد رسیدگی دیوان جست که در کنار اعلام صدور اقدام تأمینی به طرفین، اعلام به شورای امنیت را نیز پیش‌بینی می‌نماید. ماده ۷۸ قواعد رسیدگی دیوان نیز امکان تضمین اجرای دستورات صادره را به دیوان می‌دهد.^{۳۷} رأی صادره در پرونده‌ی لاگرانژ^{۳۸} بر الزام‌آور بودن اقدامات تأمینی صادره توسط دیوان تصریح نموده و النهایه اعلام می‌دارد که تخلف از اقدام تأمینی نه تنها مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف را در پی خواهد داشت، بلکه موجب ارجاع پرونده به شورای امنیت خواهد شد. لذا دو نتیجه عمده تخلف از اجرای آرای دیوان عبارتند از: ۱. مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف ۲. ارجاع مسئله تخلف به شورای امنیت.

سایر مراجع قضایی بین‌المللی نیز از این تفسیر دیوان متأثر گردیده و تمایل به

الزام آور بودن اقدامات تأمینی دارند. دادگاه اروپایی حقوق بشر در رأی مورخ ۶ فوریه ۲۰۰۳ خود که در قضیه *ماماتکولف و عسکرف علیه ترکیه* صادر (که متعاقباً به موجب رأی مورخ ۴ فوریه ۲۰۰۵^{۳۹} تأیید گردید) به الزامی بودن اقدامات تأمینی اشاره نمود. اخیراً نیز در رأی مورخ ۱۰ مارس ۲۰۰۹، دولت مولداوی را به علت عدم اجرای اقدامات تأمینی محکوم نمود، هرچند این محکومیت به اتفاق آراء اعضاء صادر نشده و صرفاً ۹ عضو با آن موافق بوده و ۸ عضو به مخالفت با آن برخاستند. به هر حال رأی مزبور به وضوح متأثر از رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری و قواعد کلی حقوق بین‌الملل صادر گردیده است.

در دعوی *مافزینی علیه اسپانیا* نیز دادگاه داوری مورخ ۲۹ اکتبر ۱۹۹۹ (با وجود به‌کارگیری واژه «توصیه» در بند ۱ ماده ۳۹ قواعد داوری ایکسید) ویژگی الزام آور بودن اقدامات تأمینی را مورد تأیید قرار داد.

واژه‌های به‌کار گرفته شده در ماده ۴۱ اساسنامه دیوان با اصطلاح استفاده شده در ماده ۲۹۰ کنوانسیون حقوق دریاها که امکان «تجویز»^{۴۰} اقدامات تأمینی را پیش‌بینی کرده متفاوت است. برای درک این تفاوت ظریف لازم نیست که زبان‌شناس ماهری باشیم. از همین رو می‌توان گفت که کنوانسیون حقوق دریاها در رابطه با صدور اقدامات تأمینی اختیارات بیشتری را برای مرجع رسیدگی‌کننده در نظر گرفته است. تجویز اقدام تأمینی بدین معناست که اقدام مزبور به صورت اجباری اجراء خواهد شد حال آن‌که مسأله ارزش حقوقی اقدام تأمینی در چهارچوب اساسنامه و آئین‌نامه‌ی دیوان دادگستری بین‌المللی - همان گونه که ملاحظه شد - مورد بحث و گفتگوست.

۴. نتیجه‌گیری

اقدامات تأمینی به‌مثابه «شمشیر برآن دادرسی» نه تنها در رسیدگی‌های قضایی داخلی، بلکه در رسیدگی‌های بین‌المللی نیز حائز اهمیت فراوان است. از همین روست که در نصوص مؤسس مراجع قضایی و داوری بین‌المللی شاهد اعطای اختیاراتی چند در رابطه با صدور اقدام تأمینی به دادرسان و داوران هستیم. پرسش مهم به‌ویژه در

رابطه با ماده ۴۱ اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی دادگستری - که به «توصیه» اقدام تأمینی توسط قاضی اشاره می‌کند - اینست که آیا اقدام تأمینی صادره برای طرفین دعوی ایجاد الزام و اجبار در پیروی از آن خواهد نمود یا نه. به نظر می‌رسد الزام‌آور بودن تبعیت از این اقدامات تأمینی با رویکردی کارکردی در تفسیر ماده ۴۱ پیش‌گفته قابل دفاع بوده و تخلف از آن علاوه بر مسئولیت بین‌المللی، موجب طرح مسأله در شورای امنیت خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Bruyère
2. Délai raisonnable
3. L'Urgence

۴. در برخی از متون فرانسوی ناظر به موضوع نیز در توصیف فوریت آن را «آرلین (منسوب به آرله)» (Arlesienne) می‌دانند؛ یعنی امری که بسیار از آن گفتگو می‌شود ولی هرگز آن را نمی‌بینیم.
 ۵. Mesures conservatoires لازم به ذکر است برخی از نویسندگان آئین دادرسی در ایران از عبارت «تربیات تأمینی (حفاظتی)» برای ترجمه اصطلاح مزبور سود جست‌ه‌اند (شمس، ۱۳۸۸، ص ۵۰۷).

6. Référé

این نهاد ابتدائاً در تحت عنوان «دادرسی فوری» وارد حقوق ایران گردیده و نویسندگان از این اصطلاح برای معادل‌سازی سود می‌جستند (برای نمونه نک. کاتبی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۷) ولی در قوانین متأخر «دستور موقت» مناسب‌تر دیده شد و توسط نویسندگان نیز اقتباس گردید (برای نمونه نک. شمس، ۱۳۸۹، ش ۶۱۰، ص ۳۶۶، پاورقی ۳). به دلیل اهمیت این نهاد حقوقی برخی از حقوقدانان با تشبیه دادرسی به جنگ کلاسیک، از دستور موقت به «عملیات ویژه ضربتی» تعبیر کرده‌اند (کشاورز، ۱۳۹۰، صص ۱۸۱ و ۱۸۲). خوانندگان این سطور اطلاع دارند که نهاد مزبور در کنار مواد ۳۱۰ الی ۳۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی، در ماده ۱۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز پیش‌بینی شده است. به‌علاوه ماده ۲۳ قواعد داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران و ماده ۳۵ قواعد و آئین داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران صلاحیت صدور دستور موقت را برای داور شناسایی کرده‌اند.
 ۷. نک. ماده ۸۴۸ و مواد بعدی قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه

8. convention for the establishment of a central American Court of Justice, available at: <http://www.worldcourts.com/cacj/eng/documents/1907.12.20_convention.htm> (last visited 15 January 2012).

9. Statute of the International Court of Justice (ICJ), available at: <<http://www.icj-cij.org/documents/index.php?p1=4&p2=2&p3=0>> (last visited 15 January 2012).

10. Nécessité

۱۱. در عین حال نک. ماده ۸۴۸ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه
۱۲. نک. رأی مورخه ۲۱ نوامبر ۱۹۲۷ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در دعوی آلمان علیه لهستان در خصوص کارخانه‌ی شورزوف، قابل دسترسی در (بازبینی واپسین ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲):
<http://www.cij.org/pcij/serie_A/A_12/42_Usine_de_Chorzow_Indemnites_Ordonnance_19271121.pdf>
۱۳. نک. رأی مورخه ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۸ دیوان داورى تشكيل شده در آلمان در خصوص اموال، حقوق و منافع
- V. *Recueil des décisions de la Commission arbitral*, publié sur les instruments de la commission. Volumes 1 (1958), 2(1959) et 3(1960). Coblenz, Hermann c./ République Fédérale, 30 septembre 1958, AC/3/J (58) 20, Rec., Vol.2, p.250.
۱۴. نک. رأی ۳ اوت ۱۹۳۲ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در دعوی دانمارک علیه نروژ با موضوع وضعیت حقوقی جنوب شرقی گرینلند، قابل دسترسی در (بازبینی واپسین ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲):
<http://www.icj-cij.org/pcij/serie_AB/AB_48/02_Groenland_ordonnance_19320803.pdf>
۱۵. نک. رأی مورخ ۱۵ مارس ۱۹۹۶ دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعوی کامرون علیه نیجریه در رابطه با مرز زمینی و آبی بین آن دو کشور، قابل دسترسی در (بازبینی واپسین ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲):
<<http://www.icj-cij.org/docket/files/94/7425.pdf>>
۱۶. نک. بند ۳ ماده ۳۹ کنوانسیون واشنگتن در خصوص داورى‌هاى ايکسپد، قابل دسترسی در (بازبینی واپسین ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲):
<http://icsid.worldbank.org/ICSID/StaticFiles/basicdoc/CRR_English-final.pdf>
17. Jurisdiction collégiale
۱۸. بند ۴ ماده ۷۴ قواعد رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری. برای نمونه نک. دستور موقت مورخه ۲۳ ژوئن ۱۹۵۱ رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص پرونده شرکت نفت ایران و انگلیس. برای دیدن متن فرانسوی نک.
Arrêts et ordonnance de la CIJ, Affaire de l'Anglo-Iranian Oil Company (l'ordonnance du 5 juillet 1951), CIJ, Recueil 1951. Pp 87- 98
متن انگلیسی قابل دسترس در (بازبینی واپسین ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲):
<<http://www.icj-cij.org/docket/files/16/8979.pdf>>
19. See for instance: Drahozal, Christopher R., 'Party Autonomy and interim measures in international commercial arbitration', *International Commercial Arbitration: Important Contemporary Question*, 2003, pp 179 – 189.
۲۰. در رابطه با داورى‌هاى به‌عمل آمده تحت کنوانسیون حقوق دریاها مورخ ۲۷ اوت ۱۹۹۹، دیوان بین‌المللی حقوق دریا (Tribunal International du Droit de la Mer (TIDM)) می‌تواند پیش از تشکیل دیوان داورى پیش‌بینی شده در این کنوانسیون اقدام به اتخاذ اقدامات تأمینی نماید. نک. دعوی استرالیا علیه ژاپن در موضوع ماهی‌های تن بلوفین جنوبی، قابل دسترسی در (بازبینی واپسین ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲):
<<http://www.itlos.org/index.php?id=62&L=1>>

۲۱. نک. ماده‌ی ۲۶ کنوانسیون بین‌المللی واشنگتن و دعوی شرکت آتلاتیک تریتون علیه گینه، قابل دسترس در (بازبینی واپسین ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲):

<<http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet>>

با این حال از ۱۹۸۴ به این سو وضع کاملاً تغییر کرده است.

22. ICSID

۲۳. برای نمونه رأی ۵ ژوئیه ۱۹۵۱ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در پرونده‌ی شرکت نفت ایران و انگلیس که در آن طرف ایرانی به صلاحیت دیوان ایراد نمود.

۲۴. در چهارچوب حقوق اتحادیه اروپا، دیوان دادگستری اتحادیه از صلاحیت عامی در خصوص اتخاذ هرگونه اقدام تأمینی برخوردار است، به شرط آن‌که ادعای مزبور ابتدائاً صلاحیت آن مقام را توجیه نماید. رأی مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۴ دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده کمیسیون اروپا علیه یونان.

۲۵. نک. رأی مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۹۹ ایکسید در دعوی مافزینی علیه اسپانیا که در آن اقدام تأمینی با درخواست اسپانیا که خواننده دعوی بود صادر گردید. متن رأی قابل دسترس در (بازبینی واپسین ۲۵ ژانویه ۲۰۱۲):

<http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet?requestType=CasesRH&actionVal=showDoc&docId=DC566_En&caseId=C163>

۲۶. نک. ماده‌ی ۳۹ اساسنامه دیوان اروپایی حقوق بشر، قابل دسترس در (بازبینی واپسین ۱۳ فوریه ۲۰۱۲):

<http://www.echr.coe.int/NR/rdonlyres/1062FEFB-C901-4155-A74F-987F908B026F/0/REGLEMENT_FR_2012.pdf>

پاراگراف ۳ ماده ۳۹ قواعد داوری ایسکید نیز این امر را مقرر داشته است.

۲۷. نک. بند ۱ ماده ۷۳ آئین‌نامه‌ی دیوان دادگستری بین‌المللی

۲۸. نک. بندهای ۱ و ۲ ماده ۷۴ قواعد رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری که به‌موجب آن چنانچه در هنگام ارائه درخواست صدور اقدام تأمینی به دیوان، اعضاء در محل دیوان حاضر نباشند، به سرعت برای تشکیل دیوان دعوت خواهند شد؛ امری که در پرونده شرکت نفت ایران و انگلیس مطرح گردید.

۲۹. نک. بند ۲ ماده‌ی ۷۳ و بند ۳ ماده‌ی ۷۴ آئین‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری که لزوم ابلاغ دادخواست تقدیمی به طرف مقابل و بررسی موضوع در جلسه دادرسی را پیش‌بینی نموده است.

۳۰. نک. رأی مورخه ۲۰ مارس ۱۹۹۱ دیوان اروپایی حقوق بشر در دعوی کروزر و اراس و دیگران علیه دولت سوئد، قابل دسترس در (بازبینی واپسین ۲۵ ژانویه ۲۰۱۲):

<<http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/refworld/rwmain?docid=3ae6b6fe14>>

در این دعوی دیوان علی‌رغم فقدان نص صریح قانون در رابطه با امکان صدور اقدام تأمینی، اقدام به صدور آن نمود. البته امروزه امکان صدور اقدام تأمینی در ماده ۳۹ اساسنامه‌ی دیوان اروپایی

حقوق بشر مورد تصریح واقع شده است

۳۱. نک. بند ۳ ماده ۲۶ مقررات داوری آنسیترال که به عدم تعارض صدور اقدام تأمینی از مرجع قضایی داخلی و رسیدگی به دعوی اصلی در مرجع داوری بین‌المللی اشاره دارد. در عین حال ممکن است این عدم تعارض صرفاً محدود به داوری دانسته شود.

32. charter of the united nations, available at: <<http://treaties.un.org/doc/Publication/CTC/uncharter.pdf>> (last visited 25 January 2012).

33. Weeramantry, Frank, *Recueil Des arrêts CIJ, affaire relative a la licéité de l'emploi de la force, Yougoslavie c./ Belgique, ordonnance du 2 juin 1999.*

34. Rules of the International Court of Justice, Available at: <<http://www.icj-cij.org/documents/index.php?p1=4&p2=3&p3=0>> (last visited 25 January 2012).

35. L'intentionnalité.

36. L'approche fonctionnelle

۳۷. در عین حال مقایسه کنید با رأی مورخه ۴ فوریه ۱۹۸۳ در پرونده شرکت ای سیستمز علیه

ایران در دیوان داوری ایران و امریکا.

38. LaGrand case (Germany v. united states of America), Available at: <<http://www.icj-cij.org/docket/files/104/7725.pdf>> (last visited 25 January 2012).

39. Mamatkulov et Askarov v. Turkey, Available at: <<http://www.unhcr.org/refworld/publisher,ECHR,,UZB,42d3ef174,0.html>> (last visited 25 January 2012).

40. Prescrire

منابع

الف. فارسی

شمس، عبدالله (۱۳۸۸). آئین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته). ج ۱، تهران: دراک.

شمس، عبدالله (۱۳۸۹). آئین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته). ج ۳، تهران: دراک.

کاتبی، حسینقلی (۱۳۸۰). فرهنگ حقوق. تهران: گنج دانش.

کشاورز، بهمن. (۱۳۹۰). هنر دفاع در دادگاه‌ها. تهران: انتشارات کشاورز.

قانون آئین دادرسی مدنی. (مصوب ۱۳۷۹)

قانون داوری تجاری بین‌المللی. (مصوب ۱۳۷۶)

قواعد و آئین داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (مصوب

۱۳۸۶ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران).

ب. انگلیسی

Cocatre-Zilgien, André (1966). **Les mesures conservatoires décidées par le juge ou arbitre international**. R.G.D.I.P. n° 24.

Coulon, J-M. et Frison-Roche, M-A. (dir.) (1996-78). **Le temps dans le procédure**. Paris, Dalloz.

De La Bruyère, J (1901). **Les Caractères ou les mœurs de ce siècle : suivis du discours a l'academie**.

Pillepich, Alain (1986). **Rapport sur « les chambres » au colloque sur la juridiction internationale permanente**. Tenu par la S.F.D.I. à Lyon les 29-31 mai 1986 (document provisoire).

Rey, Alain (Dir.) (1998). **Le (Micro) Robert**. Paris, édition Paris.

Recueil des décisions de la Commission arbitral. **Publié sur les instruments de la commission**. Volumes 1 (1958), 2(1959) et 3(1960). Coblenz, Hermann c, République Fédérale, 30 septembre 1958, AC/3/J (58) 20, Rec., Vol.2.

International Centre of Settlement Investment Dispute, (last visited 22 January 2012). <http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet>.

International Centre of Settlement Investment Dispute, (25 January 2012). http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet?requestType=CasesRH&actionVal=showDoc&docId=DC566_En&caseId=C163.

International Centre of Settlement Investment Dispute, (last visited 22 January 2012). http://icsid.worldbank.org/ICSID/StaticFiles/basicdoc/CRR_English-final.pdf.

Charter of United Nations. (Last visited 25 January 2012).

<http://treaties.un.org/doc/Publication/CTC/uncharter.pdf>

European Convention on Human Rights. (Page consultée 13 fev. 2012). http://www.echr.coe.int/NR/rdonlyres/1062FEFB-C901-4155-A74F-987F908B026F/0/REGLEMENT_FR_2012.pdf

International Court of Justice. (Last visited 25 January 2012). <http://www.icjci.org/docket/files/104/7725.pdf>

International Court of Justice. (Last visited 22 January 2012). <http://www.icjci.org/docket/files/16/8979.pdf>

International Court of Justice. (Page consultée 22 janv. 2012). <http://www.icjci.org/docket/files/94/7425.pdf>

International Court of Justice. (Last visited 15 January 2012). <http://www.icjci.org/documents/index.php?p1=4&p2=2&p3=0>

International Court of Justice. (Last visited 25 January 2012). <http://www.icjci.org/documents/index.php?p1=4&p2=3&p3=0>

International Court of Justice. (Page consultée 22 janv. 2012). http://www.icjci.org/pcij/serie_AA_12/42_Usine_de_Chorzow_

Indemnites_Ordonnance_19271121.pdf

International Tribunal for the law of sea. (Page consultée, 22 janv. 2012).

<http://www.itlos.org/index.php?id=62&L=1>

Legifrance. (page consultée 15 janv. 2012). **<http://www.legifrance.gouv.fr/affichCode.do?cidTexte=LEGITEXT000006070716&dateTexte=20120114>**

<http://www.unhcr.org/cgi-bin/txis/vtx/refworld/rwmain?docid=3ae6b6fe14>

European Court of Humain Rights. (Last visited 25 January 2012).

<http://www.unhcr.org/refworld/publisher,ECHR,,UZB,42d3ef174,0.html>

European Court of Humain Rights. (Last visited 25 January 2012).

<http://www.unhcr.org/refworld/publisher,ECHR,,UZB,42d3ef174,0.html>

Central Americain Court of Justice. (Last visited 15 January 2012).

http://www.worldcourts.com/cacj/eng/documents/1907.12.20_convention.htm

International Court of Justice. (Page consultée, 22 janv. 2012).

Anglo-Iranian Oil Company(1951).

Arrêts et ordonnances de la CIJ, Affaire de l'Anglo-Iranian Oil Company (l'ordonnance du 5 juillet 1951), CIJ, Recueil 1951.

International Centre of Settlement Investment Dispute. (last visited 22

January 2012).Atlantic Triton Company Limited v. People's Revolutionary Republic of Guinea (ICSID Case No. ARB/84/1).**<http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet>**.

International Court of Justice. (Page consultée 22 janv. 2012).

http://www.icjci.org/pcij/serie_AB/AB_48/02_Groenland_ordonnance_19320803.pdf